

عدم هماهنگی سیاست گذاری بانک ها و بورس



عباس جبالبازی

عضو هیأت نمایندگان، رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق کرمان

روش های تأمین مالی

تأمین مالی به معنی جذب منابع و باهدف ایجاد، تداوم و توسعه ی یک بنگاه است که نهایتاً منجر به سودآوری شود. به عبارت دیگر به تمام فعالیت هایی که مدیریت، برای رفع نیازهای مالی بنگاه باهدف سودآوری انجام می دهد، تأمین مالی گفته می شود.

روش های مختلفی برای تأمین مالی در دنیا معرفی شده که می توانند از طریق بانک ها، بازار سرمایه، سرمایه ی سهام داران و یا اعتبار خارجی (به صورت مستقیم، فاینانس یا تسهیلات کوتاه مدت) انجام شود.

در کشور ما تقریباً ۸۰ درصد تأمین مالی از طریق بانک ها و مابقی از طریق بازار سرمایه، سهام داران و یا فاینانس خارجی انجام می شود. در اغلب کشورهای دنیا به دلیل اینکه به سپرده های بانکی یا سودی تعلق نمی گیرد و یا این سود بسیار ناچیز است، عمدتاً منابع به طرف بورس یا کسب و کارهای مولد

هدایت می شود و عملاً بنگاه های بزرگ اقتصادی تأمین مالی خود را از طریق بازار سرمایه و بنگاه های کوچک و متوسط از طریق بانک ها و صاحبان شان انجام می دهند.

در کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، بانک به مثابه یک بنگاه اقتصادی در تلاش است که با عرضه سهام خود سرمایه گذار جذب کند و با ارائه خدمات بانکی بسیار متنوع و نرخ بهره بسیار پایین (۱ تا ۳ درصد) در یک فضای کاملاً رقابتی کسب سود نماید، اما در کشور ما این داستان کاملاً برعکس است و سیستم بانکی با پرداخت سود تضمین شده و معاف از مالیات به سپرده گذاران با نرخ های بالا (۱۵ تا ۲۴ درصد) منابع را جذب کرده و با درصدی بالاتر (۱۸ تا ۲۸ درصد) به متقاضیان تسهیلات می دهد، در نتیجه نزدیک به ۸۰ درصد پول کشور نزد مردم در بانک ها سپرده گذاری بدون ریسک می شود، خوب نتیجه مشخص است:



۱- بازار سرمایه خوب شکل نمی‌گیرد؛

۲- بنگاه‌های اقتصادی وابسته به بانک می‌شوند؛

۳- به دلیل قیمت تمام‌شده بالای پول برای بنگاه‌های اقتصادی عمده سود این بنگاه‌ها صرف پرداخت بهره بانکی می‌شود و عملاً سودی نمی‌ماند که خرج توسعه یا تأمین سرمایه در گردش بنگاه اقتصادی گردد و روزبه‌روز وابستگی بیشتری به بانک پیدا می‌کنند.

دلایل عدم استقبال از بورس

اگرچه در سال‌های اخیر وضعیت بورس در کشور ما بهتر شده؛ ولی هنوز هم نقش و وزن بورس به استانداردهای جهانی نرسیده که بتواند وظیفه تأمین مالی بنگاه‌ها را انجام دهد، زیرا رقیبی به بزرگی بانک‌ها دارد که مردم گرایش بیش‌تری به آن سمت دارند. عوامل مختلفی در عدم استقبال از بورس، دخیل است، یکی از این موارد، ریسک سرمایه‌گذاری واقعی و دیگری لزوم شفافیت صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی است، ضمن این‌که سیستم بانکی نیز در این عدم استقبال نقش پررنگی دارد. در حال حاضر سپرده‌گذاری در بانک هیچ ریسکی ندارد، - چراکه حتی اگر یک بانک دچار مشکل شود، بانک مرکزی خسارت مشتریان را جبران خواهد کرد- مشمول مالیات هم نیست و این دو مزیت به‌تنهایی این‌قدر جذاب هست تا رقابت بورس و بانک را غیرعادلانه کند. راهکار این است سیاست‌های دولت طوری چیده شود که تعادل منابع بین بازار پول و سرمایه برقرار شود. بانک‌ها از شکل فعلی خود خارج شده و با کاهش هزینه، ارائه خدمات نوین بانکی و ایجاد جذابیت برای جذب سرمایه‌گذار به نقش واقعی خود در اقتصاد عمل کنند.

بنگاه‌های کوچک و متوسط معمولاً به‌صورت خانوادگی تأسیس و اداره می‌شوند و سهام‌داران، خود آن‌ها هستند، تمایلی برای عرضه سهام خود در بورس ندارند. به‌علاوه اگرچه فرابورس برای شرکت‌های دانش‌بنیان و صاحب ایده گزینه بسیار مناسبی است، اما ورود به آن سخت است، به عبارتی بوروکراسی موجود، شرایط ورود و حضور در فرابورس را سخت کرده است، ضمن این‌که تأمین مالی فرابورس هم شرایط خاص خود را دارد؛ مجموعه این موارد باعث شده عموماً بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند تأمین مالی را از طریق سهام‌داران و بانک‌ها انجام دهند.

مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط با بانک‌ها

عمده‌ترین مشکل این بنگاه‌ها با بانک‌ها به چند موضوع اساسی

برمی‌گردد:

۱. نرخ بهره ۲۰ تا ۲۵ درصد برای این بنگاه‌ها کشنده است و عملاً بسیاری از این بنگاه‌ها به دلیل حاشیه سود پایین که علت آن رقابت با محصولات وارداتی چینی و مشابه است دچار مشکل در ایفا تعهدات خود به بانک‌ها شده و به بنگاه‌های بدهکار با معوقات بالا تبدیل شده‌اند.

۲. عدم تأمین مالی به‌موقع و کافی.

۳. مدت‌زمان کوتاه برگشت سرمایه ثابت: درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه برگشت تسهیلات سرمایه ثابت بین ۱۵ تا ۲۵ سال می‌باشد؛ در کشور ما این زمان ۵ سال است که عملاً با وضعیت سودآوری بنگاه‌ها امکان برگشت سرمایه در این زمان کم ممکن نیست.

۴. عدم تمدید سرمایه در گردش در سررسید.

راهکار خیلی روشن است؛ باید نرخ سود بانکی به نرخ تورم نزدیک شود؛ مانند آنچه در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. اگر نرخ سود سپرده پایین بیاید، با کاهش حجم سپرده‌ها، بانک‌ها نیز به دنبال اصلاح و کوچک کردن خود می‌روند. قرار نیست که دولت با بالا نگه‌داشتن سود تسهیلات و به قیمت از پا درآمدن بنگاه‌های تولیدی؛ که قلب اقتصاد کشور هستند؛ جلوی ورشکستگی بانک‌ها را بگیرد. بانک‌ها باید املاک مازاد خود را بفروشند. در شرایط فعلی کشور؛ که تورم پایین است؛ کاهش نرخ سود بانکی، در کنار حذف مؤسسات مالی غیرمجاز و کنترل بازار منابع مالی کشور را به سمت بورس هدایت می‌کند و هزینه‌های تأمین مالی بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد.

حمایت از صنایع کوچک و متوسط

به نظر می‌رسد، در کشور ما، بانک‌ها به بنگاه‌های بزرگ؛ به‌واسطه ریسک نسبی پایین‌تر؛ اعتماد بیش‌تری دارند. البته این موضوع طبیعی است چراکه بنگاه‌های بزرگ، برگشت سرمایه مطمئن‌تری دارند و دولت حمایت بیش‌تری از آن‌ها دارد. اما در دنیا به گونه دیگری عمل می‌شود. دولت‌ها به دلیل سهم زیاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد و سرمایه‌بر نبودن این بنگاه‌ها در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ، سازوکارهای خاصی برای توسعه آن‌ها در نظر می‌گیرند. به‌طور مثال سازمان یونیدو (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد) برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط چند پارامتر تعریف می‌کند: اول، ضرورت آموزش مهارت‌های مدیریتی به مدیر بنگاه را مطرح می‌کند؛ دوم، سیستم‌های مالی شفاف برای این بنگاه‌ها تعریف می‌کند؛

ایجاد کرده و صورت‌های مالی خود را شفاف کنند، چراکه کسی تمایل به مشارکت با بانک‌های ما را دارد که از توانمند بودن آن‌ها اطمینان حاصل کند. به‌طور کلی اگر این شرایط و قوانین و مقررات بانکی کشور اصلاح شود، امکان متصل شدن به منابع مالی عظیم دنیا برای ما فراهم خواهد شد.

ضرورت مدیریت اصولی منابع مالی توسط بنگاه‌ها

این‌که همه مشکلات بنگاه‌ها را به مسائل و مشکلات خارج از بنگاه نسبت دهیم درست نیست، چراکه حدود ۵۰ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط که دچار مشکل تأمین مالی هستند، به اصلاح ساختار مدیریتی نیاز دارند. مدیریت منابع مالی توسط بنگاه‌ها موضوع بسیار مهمی و تخصصی است که مورد غفلت واقع شده، به‌طوری‌که گاهی برخی بنگاه‌ها با هدف تأمین صد در صد منابع مالی مورد نیاز برای راه اندازی را از بانک‌ها تسهیلات دریافت کرده‌اند که این تصور از اساس اشتباه بوده و طبیعی است که چنین بنگاهی از محل سود خود هیچ‌گاه قادر به پرداخت بدهی بانک نخواهد بود.

همچنین بنگاه‌هایی که بدون انجام مطالعات دقیق و توجه به بازار با وجود فقدان توجیه اقتصادی، کار خود را آغاز کرده‌اند نیز خیلی زود در دسته بدهکاران بانک قرار خواهد گرفت. باید به این نکته نیز توجه شود که کم نیستند بنگاه‌هایی که در چرخه عمر خود به فاز فرسودگی رسیده‌اند و هرچقدر هم که به چنین بنگاه‌هایی پول تزریق شود، بازهم نمی‌توانند به چرخه‌ی اقتصاد برگردند.

مدیریت اصولی منابع، وجود سیستم مالی شفاف در بنگاه‌ها برای محاسبه بهای تمام‌شده واقعی محصولات را ایجاد می‌کند تا بر مبنای آن از طریق بهبود بهره‌وری، قدرت رقابت آن‌ها تقویت شود و گردش مالی در بنگاه رونق گیرد تا در نتیجه، تأمین مالی از محل سود شرکت به‌عنوان یک راهکار مهم رفع نیازهای مالی بنگاه فراهم شود.

در پارامتر سوم، منابع مالی ارزان برای این بنگاه‌ها تجهیز می‌کند؛ چهارم، این بنگاه‌ها را به هلدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگ وصل می‌کند تا ضمانت خرید محصولات بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شود. پنجم، هزینه‌های حضور بنگاه‌های کوچک و متوسط در نمایشگاه‌های خارج از کشور را متقبل می‌شود. همچنین علاوه بر این موارد، آموزش‌های حین کار به نیروی انسانی ارائه می‌دهد. مجموعه این اقدامات است که موجبات رشد و توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط را فراهم می‌کند. در دنیا برای مؤسسات تأمین مالی ساختار مشخصی تعریف شده؛ شرکت‌های تأمین مالی و بانک‌هایی مختص بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شده و از آن‌ها حمایت می‌کنند؛ به‌طور مثال صندوق‌های ریسک‌پذیری که تأمین مالی این بنگاه‌ها را به عهده‌دارند. البته در ایران نیز صندوق‌های مشابهی وجود دارد؛ مثل صندوق حمایت از صنایع کوچک، که متأسفانه نتوانسته حمایت‌های لازم را از بنگاه‌های کوچک و متوسط داشته باشند.

ایجاد بانک‌های خارجی در کشور

راهکار دیگر برای تأمین مالی بنگاه‌های کشور تأسیس شرکت تأمین مالی خارجی با سرمایه‌ی مشترک ایرانی و خارجی است که طبعاً نیازمند جلب اعتماد و جذب سرمایه‌گذاران خارجی است. برای این منظور ابتدا باید بررسی کنیم: آیا شرایط و زیرساخت‌های کشور برای سرمایه‌گذاری خارجی آماده شده یا خیر؟

مهم‌ترین مسئله، تقویت روابط بین‌الملل است. واقعیت این است که اگرچه شرایط پس از برجام بهبود یافته، اما هنوز پایدار نشده و همچنان در تعاملات سیستم بانکی کشور با دنیا درگیر مسائل و مشکلاتی هستیم. مسئله دیگر این است که بانک‌های ما هنوز به استانداردهای روز بانکداری نرسیده‌اند و تحریم‌ها و دور بودن از دنیای بین‌الملل نیز تقویت‌کننده این موضوع بوده است. به‌طور مشخص سیستم بانکی ما باید کفایت سرمایه‌ای را





نقش کارگروه رفع موانع تولید در تأمین منابع مالی بنگاه‌ها

کارگروه رفع موانع تولید استان‌ها با تصویب هیئت وزیران، در سال ۹۴ و با هدف انجام بررسی‌های لازم برای حل و فصل مشکلات و موانع واحدهای تولیدی تشکیل شده است. یکی از وظایف این کارگروه بررسی علل رکود یا توقف واحدهای تولیدی و هماهنگی برای حل مشکل است. به دلیل فراوانی زیاد مشکلات تأمین مالی، طبیعتاً یکی از راهکارها معرفی بنگاه‌های دارای صلاحیت به بانک‌ها برای دریافت تسهیلات است.

در این راستا فرایندی برای متقاضیان دریافت تسهیلات طراحی شد. بدین صورت که، بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانستند با ثبت نام در سایت بهین یاب، تقاضای دریافت تسهیلات سرمایه در گردش یا سرمایه ثابت خود را ثبت کنند. البته سرمایه‌ی ثابت به بنگاه‌هایی داده می‌شد که بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند ولی سرمایه‌ی در گردش را می‌توان به همه‌ی بنگاه‌ها با توجه به شرایط آن‌ها اختصاص داد. پس از کامل شدن فرایند ثبت نام، درخواست ثبت شده توسط کارشناسان مربوط بررسی و در صورت تأیید به کارگروه، جهت تصویب نهایی ارسال می‌شود. در جلسات کارگروه؛ که متشکل از نمایندگان اتاق بازرگانی، استانداری، سازمان صنعت، معدن و تجارت، شرکت شهرک‌ها و بانک‌ها است؛ بررسی لازم صورت گرفته و در صورت نیاز متقاضیان نیز به جلسات کارگروه دعوت می‌شد. در این جلسات، چندین موضوع بررسی می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها وجود بازار فروش برای محصولات تولیدی متقاضی تسهیلات است. در نهایت در صورت تصویب و موافقت کارگروه، درخواست بنگاه به بانک عامل فرستاده می‌شود.

اما مشکل آنجاست که معمولاً کسانی درخواست دریافت چنین تسهیلاتی را دارند، که بدهی و معوقه‌ی بانکی دارند، بنابراین طبیعتاً مشکل وثیقه هم دارند. منطقی این بود که دولت برای حمایت از چنین صناعی، منابع مشخصی در اختیار بانک قرار دهد تا بانک‌ها به دلیل ریسک بالای پرداخت تسهیلات به این بنگاه در زمینه‌ی وثیقه سخت نگیرد. ضمن این که قانوناً بانک موظف است محل اجرای طرح را به عنوان وثیقه قبول کند؛ اما در خصوص پرداخت این تسهیلات عمدتاً تقاضای ملک خارج از محل طرح می‌کنند.

مشکل عدم اعتماد بانک‌ها به بنگاه‌های دارای بدهی معوق، در کنار منابع محدود باعث شده تا ۳۰ درصد واحدهای معرفی شده به بانک‌ها در استان موفق به استفاده از تسهیلات طرح رونق تولید شده‌اند.

مشکل عدم اعتماد بانک‌ها به بنگاه‌های دارای بدهی معوق، در کنار منابع محدود باعث شده تا ۳۰ درصد واحدهای معرفی شده به بانک‌ها در استان موفق به استفاده از تسهیلات طرح رونق تولید شده‌اند.

سخن آخر

به عنوان جمع‌بندی مباحث مطرح شده، می‌توان گفت بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی حق دارد مشتری خود را انتخاب کند، فعالیت کند و سود بگیرد. به علاوه بانک مسئول همه‌ی مسائل توسعه‌ای نیست؛ اما به هر حال یکی از ارکان مهم توسعه است. همچنین این تفکر بانک‌ها که به کسانی تسهیلات پرداخت کنند که مورد اعتماد باشند، قابل درک است؛ بانک‌ها به دلیل معوقات سنگین دولت دچار محدودیت منابع و کاهش قدرت پرداخت تسهیلات شده‌اند. اما کاهش نرخ بهره متناسب با نرخ تورم، افزایش سرمایه بانک‌ها، پرداخت بدهی دولت به بانک‌ها، تقویت بازار سرمایه و سهل تر کردن مقررات بازار فرابورس نقش بسیار مهمی را در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی خواهد داشت و عملاً بخشی زیادی از مشکلات تأمین مالی را حل خواهد کرد.